

سیاسی — که چندوچون در آن بسیار است — ضرورتی است گریزناپذیر. از سوی دیگر بخشی از اعتبار یک منبع در گرو ارجاع صحیح به آن است. چه اگر مثلاً منبع سندیت داشته باشد اما ارجاع به آن غیردقیق، سهل انگارانه، گزینشی و دلخواهانه باشد، از اعتبار سخن گفته شده، کاسته خواهد شد.

تاکنون تلاش‌های ارزشمندی در ایران برای آموزش صحیح استفاده از منابع و ارجاع به آنان^۱، انجام گرفته است. اما مسئله اینجاست که هر نویسنده بنا به سلیقه خود و بسته به اینکه چه شیوه نام‌های را ملاک قرار داده یا اینکه از کدام مکتب، شیوه تحقیق و پژوهش را آموخته، شیوه‌های رفرنس‌نویسی ویژه‌ای را در پژوهش خود به کار برده است.

امروزه اغلب محافل آکادمیک معتبر و انتشارات صاحب‌نام جهانی، ضرورت یکسان‌سازی رفرنس‌نویسی و ارجاع را به درستی فهمیده‌اند و کوشش‌های گرانسنگی در این زمینه انجام داده‌اند که مهمترین آن شیوه نامه شیکاگوست. در این مقاله قصد داریم که به صورت مختصر این شیوه رفرنس‌نویسی را معرفی کنیم اما پیش از آن شایسته است که مروری کوتاه بر شیوه ارجاع و رفرنس‌نویسی در متون و ادبیات کشورمان داشته باشیم.

۱- نحوه ارجاع به منابع در متون کلاسیک

آنچه از نثر گذشته باقی مانده و نگارنده دیده است اغلب منابع متکی به "گفته‌ها"، "شنیده‌ها" و "آورده‌اند که" ها بوده است. فرض بر این بوده که وقتی خواننده مطلبی را می‌خواند پیشاپیش "آتوریته" نویسنده را پذیرفته و به همین ترتیب نویسنده نیز، مطلب دیگران را همان‌گونه که بوده — طابق النعل بالنعل — ذکر کرده است.^۲ روشن است که کتب موجود در دوره‌های مختلف هم، از منابع مورد استفاده نویسندگان و متفکرین هر دوره بوده است.

صرف‌نظر از اینکه بسیاری از ارجاعات در گذشته دقیق نبوده، در مورد صحت و سقم این شنیده‌ها و درون‌مایه آن کتب نیز — از دیرباز و در نزد برخی از صاحب‌نظران — شک و تردیدهای وجود داشته است. از نویسندگان معتبر گذشته، مثلاً ابوالفضل بیهقی در این باب چندوچون بسیار کرده است. چنان‌که او ضمن نکوهش افسانه‌پردازی و داستان‌سرایی

درباره ضرورت یکسان‌سازی رفرنس‌نویسی در علوم انسانی

دکتر حمیدرضا رحمانی‌زاده دهکردی*

پراکندگی‌ها و آشفتگی‌هایی که در زمینه رفرنس‌نویسی در بسیاری از آثار دانشگاهی رشته‌های علوم انسانی وجود دارد نویسنده این مقاله را بر آن داشته است که بکوشد راهکاری در این باره ارائه دهد. نویسنده نخست به صورت اجمالی به شیوه‌های جمع‌آوری داده‌ها و نیز رفرنس‌نویسی از گذشته‌های دور تا دوران معاصر در ایران پرداخته است و آنگاه شیوه نامه رفرنس‌نویسی شیکاگو را با ارائه مثال‌های متعدد معرفی کرده است. پیشنهاد نویسنده در این مقاله این است که نویسندگان و پژوهشگران؛ چه آنهایی که روش نویسنده — تاریخ نشر را پذیرفته‌اند و چه آنهایی که روش پانوشت/ پی‌نوشت — کتابنامه را دنبال می‌کنند؛ به این شیوه نامه — که یکی از معتبرترین شیوه نامه‌های رفرنس‌نویسی است — پایبند باشند تا قدری از این آشفتگی کاسته شود و امکان استاندارد کردن تألیفات علمی دانشگاهی — با عنایت به معیارهای پذیرفته شده محافل معتبر علمی — پدید آید.

واژه‌های کلیدی: رفرنس‌نویسی، رفرنس‌نویسی در ایران، شیوه نامه شیکاگو.

مقدمه

هیچ پژوهشگری از یافته‌های عینی و نظری دیگران بی‌نیاز نیست و در این زمینه آنچه در وهله نخست اهمیت دارد میزان اعتبار و سندیت و نیز نحوه ارجاع به منابع مختلف است. سندیت منابع و ارجاع درست، به ویژه در علوم انسانی و از آن مهمتر علوم

*. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.

نویسندگان زمان خود، دو روش برای سنجش اعتبار و سندیت منابع معرفی می‌کند: ... گذشته را دو قسم گویند که آن را سه دیگر نشناسد: یا از کسی بپایند شنید و یا از کتابی بپایند خواند و شرط آن است که گوینده باید که ثقه و راستگوی باشد و نیز خرد گواهی دهد که آن خبر درست است. و بیشتر مردم عامه آنند که باطل ممتنع را دوست‌تر فراستانند؛ چون اخبار دیو و پری و غول بیابان! که احمقی هنگام‌های سازد و گروهی همچو گرد آیند. و وی گوید: «در فلان دریا جزیره‌ای دیدم و پانصد تن، فرود آمدیم در آن جزیره و نان پختیم و دیگ‌ها نهادیم. چون آتش تیز شد و تپش بدان زمین رسید، از جای برفت نگاه کردم ماهی بود! و به فلان کوه چنین و چنین چیزها دیدم و پیرزنی جادو، مردی را خر کرد! و باز پیرزنی دیگر جادو، گوش او را به روغنی بیندود تا مردم گشت». و آنچه بدین ماند از خرافات که خواب آرد نادان را، چون شب برایشان خوانند. و آن کسان که سخن راست خواهند تا باور دارند ایشان را از دانایان شمرند و سخت اندک است عدد ایشان و ایشان نیکو فراستانند و سخن زشت را بیندازند... و من که این تاریخ را (تاریخ بیهقی) پیش گرفته‌ام، التزام این قدر بکرده‌ام تا آنچه نویسم یا از معاینه من است یا از اسماع درست از مردی ثقه.^۳

مثال دیگر در این زمینه کتاب **دبستان المذاهب** است که نویسنده آن همانند بیهقی — دست‌کم به گمان خود — کوشیده است که در بیان صحیح طریقت و شریعت ادیان و مذاهب، آب را از سرچشمه بردارد. این کتاب که در قرن یازدهم هجری نوشته شده است آنچه را آورده یا از زبان بزرگان آن دین در آن زمان بوده و یا آنکه آن را در آثار مکتوب آنها یافته است و این کار را به قول خود برخلاف پیشینیان بدون جانب‌داری و غرض‌ورزی^۴ انجام داده. در حقیقت کار او بازگویی (یا به قول خودش ترجمانی) آن چیزی است که به طور مستند خوانده و شنیده است:

آنچه نوشته آمد از زبان صاحبان آن عقیده و کتاب ایشان است و در گذارش^۵ اشخاص در حال هر چه مطیعان و مخلصان به تعظیم نام برند، ثبت نمود تا بوی تعصب و جانب روی ننماید. **نامه‌نگار** را از این گذارش جز منصب ترجمانی نیست^۶ و^۷

چنان‌که گفتیم شنیده‌ها و گفته‌ها یکی از منابع مورخان و محققان و البته حکایت‌پردازان بوده است. در متون عربی و احادیث به این شیوه معنعن و عنعنات^۸ گفته می‌شود که نقل قولی سینه به سینه؛ از یکی به دیگری است. طبیعی است هر چه این زنجیره نقل قول کوتاه‌تر باشد مطلب مستندتر به حساب می‌آید:

ازخواجه عمید عبدالرزاق شنودم که: "این شب، که دیگر روز حسنگ را بردار کردند بوسهل نزدیک پدرم آمد، نماز خفتن. پدرم گفت: "چرا آمده‌ای؟". گفت: "نخواهم رفت، تا آنگاه که خداوند نخسپد، که نباید رقعهای نویسد، در باب حسنگ، بشفاعت" پدرم گفت: "بنوشتمی، اما شما تباه کرده‌اید و سخت ناخوبست" — و بجایگاه رفت.^۹

نقل است که بایزید را گفتند: از مجاهده خود ما را چیزی بگو، گفت: اگر از بزرگ‌تر بگویم، طاقت ندارید، اما از کمترین بگویم، روزی نفس را کاری بفرمودم حُرُونی کرد؛ یعنی فرمان نبرد. یک سالش آب ندادم، گفتم: یا نفس! تن در طاعت ده یا در تشنگی جان بده.^{۱۰}

شیوه عنعنات (قال حدثنا فلان عن، حدثنا عن، حدثني عن فلان قال) چنان به افراط کشیده شد که حتی برخی از این شیوه — که فلسفه آن نقل حدیث و در وهله دوم نقل اطلاعات تاریخی بود — انتقادات اساسی به عمل آوردند. زرین‌کوب در این زمینه به نقل قولی از اشعب طماع اشاره می‌کند که گویا به طنز گفته است: از عکرمه شنیدم که پیغمبر گفت مؤمن دو خصلت دارد. پرسیدند آن دو خصلت کدام است؟ اشعب گفت یکی را عکرمه ذکر نکرد و آن دیگر را من فراموش کردم.^{۱۱}

مشاهده نیز یکی از ابزارهای مهم **جمع‌آوری داده‌ها** در گذشته بوده است. البته بیشتر جهانگردان و سیاحت‌نامه‌نویسان از این روش استفاده کرده‌اند:

پیش از رسیدن ما، قحطی عظیم افتاده بود. اما چون ما آنجا رسیدیم، جو می‌درویدند و یک من و نیم نان به یک درم عدل، و سه من نان جوین هم. و مردم آنجا می‌گفتند: هرگز بدین شهر هشت من نان

کمتر به یک درم کس ندیده است، و من در همه زمین پارسى گویان، شهری نیکوتر و جامع‌تر و آبادان‌تر از اصفهان ندیدم.^{۱۲}

البته دسته اندکی از مورخان و پژوهش‌گران هم بوده‌اند که از مشاهده استفاده کرده‌اند که بیهقی در میان آنها نمونه‌ای شاخص است.^{۱۳} بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای در گذشته کمتر رواج داشته است. از سوی دیگر کلیه ارجاعات به این منابع به صورت کلی بوده است.^{۱۴}

در اخبار انوشیروان پیدا کرده ام که مرگ قباد چون بود. محمدبن‌جریر گوید: عرب او را بکشت و سب کشتن قباد آن بود که وی را (زندقی بود و) زهد گرفت و خون نریختی و کس را نکشتی و با کس جنگ نکردی و مزدک او را بر آن داشت پس هیت او از دل ملوک بشد. چون از حرب او ایمن شدند، همه ملکان، طمع در پادشاهی او کردند...^{۱۵}

چنان خواندم در اخبار سامانیان که: نصر احمد هشت ساله بود که از پدر بماند، که احمد را به شکارگاه بشکند. و دیگر روز آن کودک را بر تخت ملک بنشانند به جای پدر...^{۱۶}

این وضعیت تا اوایل قرن بیستم در ایران ادامه داشت. جدی‌ترین پژوهش و تألیفی که در اواخر دهه ۲۰ انجام شد. سیر حکمت در اروپاست.^{۱۷} که محمدعلی فروغی نوشت. در این اثر بزرگ،^{۱۸} محمد فروغی رفرنس دقیقی از منابع ارائه نمی‌دهد. به نظر می‌رسد که گویی تمامی کتاب‌های اصلی این فلاسفه را خوانده و بعد جان مایه آن آثار را به قلم خویش به فارسی نوشته است. ارجاعات او در همین حد است که بگوید "این فصل خلاصه‌ای از بخش چهارم و پنجم کتاب علم اخلاق اسپینوزاست"^{۱۹} یا "این تحقیقات از باب سوم کتاب لاک گرفته شده است."^{۲۰} البته تعداد این‌گونه ارجاعات هم اندک است. اغلب کتاب‌های که در دهه بیست، سی و چهل منتشر شده و نگارنده آنان را دیده است رفرنس‌نویسی چندان به دقت در آنان رعایت نشده است. در این رفرنس‌نویسی‌ها حداکثر نام و نام خانوادگی نویسنده، نام کتاب و صفحه‌ مورد استفاده آمده است. در

این آثار نوبت چاپ، محل انتشار، تاریخ و نام ناشر و حتی گاهی نام مترجم نوشته نشده است.

البته در این مجال اندک قصد نداریم به تاریخ مفصل سرنوشت رفرنس‌نویسی در ایران بپردازیم فقط تا همین حد بگوییم که شیوه رفرنس‌نویسی به معنای جدید آن با پیدایش دانشگاه‌ها منظم‌تر و دقیق‌تر شد. به‌ویژه از اواسط دهه چهل این روند شدت گرفت. روندی که تا امروز ادامه داشته است.

با سخت‌گیری‌هایی که در دانشگاه‌ها در زمینه نگارش رساله‌ها و مقاله‌ها علمی صورت می‌گیرد و نیز شیوه‌نامه‌هایی که مجلات و ناشران برای تنظیم و نگارش اعلام کرده‌اند. امروزه وضعیت رفرنس‌نویسی و ارجاع نسبت به گذشته قابل قیاس نیست. اما اینک سخن بر سر این است که چگونه می‌توان تمهیداتی اندیشید که نویسندگان و محققان ما شیوه نامه معتبر و یکسانی را برای نوشتن مقالات یا کتاب‌ها خود به کار برند تا از این آشفتگی‌های پدید آید.

۲- مروری اجمالی بر شیوه نامه شیکاگو

شیوه نامه شیکاگو دو روش برای ارجاع و رفرنس‌نویسی ارائه داده است. براساس این شیوه نامه هر دو این روش معتبر و البته همسنگ هستند. و محققان می‌توانند یکی از آن دو را برگزینند. روش نخست که به روش پانوشت/ پی‌نوشت — کتابنامه یا روش علوم انسانی معروف است متکی است به پانوشت/ پی‌نوشت‌هایی (که در زیر صفحه یا انتهای مقاله یا فصل و... می‌آید) و کتابنامه (که جای آن در انتهای مقاله یا کتاب است). ما چون در ادامه به این روش به صورت مفصل اشاره خواهیم کرد، حال به همین مختصر بسنده می‌کنیم.

روش دوم، روش نویسنده-تاریخ نشر و فهرست منابع یا روش علوم (طبیعی و دقیقه) است که به آن روش هاروارد هم می‌گویند. در این مختصر ما چند کلامی درباره این روش خواهیم گفت و سپس به صورت مفصل‌تر روش نخست را معرفی خواهیم کرد تجربه نگارنده مؤید این نکته است که روش پانوشت/ پی‌نوشت-کتابنامه، روش مناسب‌تری برای رشته‌های علوم انسانی از جمله علوم سیاسی است. البته باب این بحث

همچنان باز است و محققان دیگری ممکن است خلاف نظر نگارنده را داشته باشند.

۱-۲- مختصری درباره روش نویسنده- تاریخ نشر

در این روش، در داخل متن و بعد از نقل قول مستقیم یا غیرمستقیم^{۲۱} نام نویسنده تاریخ انتشار در داخل پراکنش نوشته می‌شود^{۲۲} مثلاً (بشیریه ۱۳۸۳). اگر تعداد نویسندگان بین یک تا سه نفر بود بدین صورت نوشته می‌شود. (بشیریه و افتخاری و رضوی ۱۳۸۳) و اگر از سه نفر بیشتر باشد رسم بر آن است بر اساس حروف الفباء نام خانوادگی نفر اول^{۲۳} نوشته می‌شود و بعد "و دیگران." اضافه می‌شود یا در نویسندگان لاتین. et al بعد (فاصله) و تاریخ نشر. (بشیریه و دیگران، ۱۳۸۳) حال اگر چندین منبع یک مطلب اشاره کرده‌اند نویسندگان آن اثر به همراه تاریخ نشر کتاب‌هایش نوشته می‌شود و سپس به وسیله نقطه ویرگول [؛] هر منبع از منبع دیگر مجزا می‌گردد. (بشیریه ۱۳۸۲؛ رحمانی زاده دهکردی و دیگران. ۱۳۸۲؛ سلیمی ۱۳۸۲). اگر نقل قول مستقیم است و از یک صفحه مستقیماً نقل قول می‌شود بعد از تاریخ نشر از ویرگول استفاده می‌شود و شماره صفحه نوشته می‌شود. (بشیریه ۱۳۸۳، ۲۳)^{۲۴} فهرست منابع این نحوه ارجاع با کتابنامه تفاوت‌هایی دارد:

الف) نخست آنکه هر چند که نام خانوادگی بر حسب نام نویسنده مانند کتابنامه تنظیم می‌شود اما بر خلاف آن فقط حرف اول نام نویسنده نوشته می‌شود:

سلیمی، ح. ۱۳۸۴. **کالبد شکافی ذهنیت اصلاح‌گرایان**. تهران: گام‌نو.

Stoller P. and C. Olkes. 1987. **Sorcery's shadow**. Chicago: University of Chicago Press.

ب) لازم نیست که عنوان مقاله‌ها یا فصل‌ها و... (بر خلاف کتابنامه در شیوه علوم انسانی) داخل گیومه^{۲۵} قرار گیرند.

ج) تاریخ بلافاصله بعد از نام خانوادگی و حرف اول نام نوشته می‌شود.

د) در لیست منابع [به زبان انگلیسی] فقط حرف اول عنوان با حرف بزرگ نوشته می‌شود و بقیه عناوین با حروف کوچک نوشته می‌شوند.

ه) [در زبان انگلیسی] حرف اول نام نویسنده باید حتماً با حروف بزرگ نوشته شود^{۲۶}.

و) و بالاخره نکته آخر اینکه نیازی به استفاده از پراکنش به هنگام دادن محل نشر و ناشر و تاریخ نشر نیست.

درباره شیوه نویسنده- تاریخ نشر چند نکته قابل ذکر وجود دارد. نخست آنکه به نظر می‌رسد که این شیوه ارجاع تمرکز را از آدمی می‌گیرد و رشته ذهنی خواننده را که درگیر استدلال نویسنده یا فهم مطلب است با دیدن رفرنس در وسط جمله پاره می‌کند. اما از زاویه‌ای دیگر، همین مسئله می‌تواند یک حسن به حساب آید از این جهت که پاره شدن رشته ذهنی مخاطب این امکان را فراهم می‌آورد که خواننده قدری از متن فاصله بگیرد^{۲۷} و تأمل بیشتری بر استدلال نویسنده نماید. دومین نکته به نظر نگارنده این است که این شیوه یک دستی نوشتار را بر هم می‌زند و بر آشفتگی متن می‌افزاید. در این میان استفاده هم‌زمان دو خط متفاوت در رفرنس‌نویسی، این آشفتگی را دو چندان می‌کند. مثلاً شما متنی را به فارسی مطالعه می‌کنید و یک دفعه در وسط صفحه نوشته‌ای به زبان لاتین (به عنوان منبع) می‌بینید و باز این تشتت وقتی بیشتر می‌شود که قلم و نیز اندازه قلم مورد استفاده برای هر دو نوشته، غیرمتعارف یا ناهمخوان باشد^{۲۸}. به نظر نگارنده بهترین قلم برای استفاده از نگارش هم‌زمان فارسی و انگلیسی، لوتوس است. اما این امر هم تنها اندکی از معضل فوق را تعدیل می‌کند. مشکل دیگر در این رابطه، راست‌نویسی و چپ‌نویسی دو متن است. هنگامی که منبع لاتین آخر سطر می‌آید ممکن است به علت کمبود جا اطلاعات منبع لاتین دو تکه شود یعنی بخشی در انتهای سطر و بخشی در ابتدای سطر بعدی بیاید. برای حل این مسئله باید کوشید که تمام اطلاعات آن منبع در یک سطر قرار گیرد معمولاً ویراستاران حرفه‌ای که برای کار خویش و اثر مؤلف ارزش قائل هستند، سعی می‌کند این مشکل را با کم کردن فاصله بین سطور یا تغییر قلم و... حل کنند. روشن است که این کار وقت‌گیر است بخصوص وقتی تعداد منابع زیاد باشد. اما از آن طرف، حسن این شیوه آن است که آدمی را سراسر با منبع مورد نظر آشنا می‌کند. این امر البته در علوم طبیعی و علوم دقیقه بسیار مهم است. چون این علوم بیشتر متکی به فاکت‌های تجربی و منطقی هستند بنابراین لازم است که بدون هیچ‌گونه وقفه‌ای، خواننده سندیت فاکت و اعتبار منابع را بسنجد تا بتواند قدم دیگر را بردارد. از این جهت است که

این شیوه را شیوه رفرنس‌نویسی علوم^{۲۹} نامیده‌اند و شیوه نامه پانوش/ پی‌نوشت- کتابنامه را شیوه رفرنس‌نویسی علوم انسانی^{۳۰}. زیرا به نظر می‌رسد که در علوم انسانی که تأملات نظری در آن بیشتر دخیل است. آگاه شدن از منبع، آن فوریت و اضطراری را که علوم دقیقه دارد، ندارد بنابراین می‌توان با اندکی درنگ منبع مورد نظر را در پانوش یا پی‌نوشت یافت.

آنچه نگارنده در باب این شیوه گفت البته اعتباری و نسبی است و در تحلیل نهایی، ترجیح یکی از این دو روش، به رشته تخصصی و نیز سلیقه و نوع نگاه محقق بستگی دارد. در ایران مجلات مختلف تخصصی هستند که از این روش استفاده می‌کنند. که **فصلنامه مطالعات ملی و کتاب ماه علوم اجتماعی** از آن جمله‌اند.

پیش از پرداختن به روش علوم انسانی شیوه نامه شیکاگو، لازم است به چند نکته ضروری در باب کتابنامه و پانوش/ پی‌نوشت اشاره کنیم: نکته اول آنکه رسم بر آن است که در کتابنامه کتاب‌ها و مقالات و سایت‌هایی که در پژوهش استفاده شده، آورده شود. اما شیوه نامه شیکاگو ذکر منابع فرعی و کم‌اهمیت مانند اخبار و... را علی‌السویه می‌داند و ذکر کردن یا نکردن این منابع را به سلیقه پژوهشگر وامی‌نهد اما ذکر کتاب‌ها، مقالات و سایت‌هایی که در پژوهش از آنها استفاده نشده است را صلاح نمی‌داند البته این کتاب‌های را می‌تواند در صفحه جداگانه و با عناوین مختلف مثلاً "برای مطالعه بیشتر" ذکر کرد. افزون بر این، برای متمایز کردن کتاب، مجله، روزنامه، سایت شیوه نامه شیکاگو توصیه کرده است که آنان ایتالیک یا زیر آنها خط کشیده شود (Underline) در فارسی معمولاً کتاب و مجله را از دیرباز ایرانیک (استفاده از حروف سیاه و برجسته^{۳۱}) می‌کردند. پیشنهاد نگارنده این است که در صورت استفاده از منابع فارسی و انگلیسی به منظور یک‌دست شدن منابع، بهتر است به جای ایتالیک کردن حروف لاتین آن را همانند منابع فارسی ایرانیک کنیم یا زیر هر دو منابع خط بکشیم^{۳۲}.

درباره پانوش^{۳۳}/ پی‌نوشت نیز باید دانست که در یک تقسیم‌بندی کلی دو نوع پانوش و پی‌نوشت وجود دارد: یکی پانوش/ پی‌نوشت توضیحی^{۳۴} و دیگری پانوش/ پی‌نوشت ارجاعی^{۳۵} دکتر ادیب سلطانی درباره پانوش توضیحی می‌نویسد: "پانوش توضیحی عبارت است از توضیحاتی که افزون بر متن، درباره اصطلاح‌ها،

نام‌ها، یا مفهوم‌ها، کتاب‌ها و غیره. منظور فروشکافتن بیشتر مطالب و یاری به خوانندگان است برای درک بهتر پاره‌ای جزئیات و طرح نکاتی که احیاناً نمی‌توانند در بافت متن قرار گیرند". به نظر این محقق اما در پانوش ارجاعی^{۳۶} نویسنده مشخصات اثری را که در بیان مطالب، در قسمت خاصی از متن مورد استناد و استفاده‌اش بوده ذکر می‌کند یا منبع نقل قول مستقیم را به خواننده اطلاع دهد^{۳۷} و سپس ادامه می‌دهد: "در عمل گاه ممکن است پانوش ارجاعی با پانوش توضیحی آمیخته باشد. به این ترتیب که نویسنده نخست منبع مورد استناد خود را ذکر می‌کند و سپس شرح یا توضیح کوتاه یا گاه مفصل^{۳۸} بدان می‌افزاید."

۲-۲- شیوه ارجاع به منابع بر اساس شیوه نامه شیکاگو^{۳۷} (پانوش/ پی‌نوشت- کتابنامه)^{۳۸}

مجلات تخصصی

در پانوش/ پی‌نوشت

نام نویسنده	نام مقاله	اطلاعات سیاسی- اقتصادی،
نام منبع	نام مقاله	نام منبع
سال نوزدهم،	شماره ۲۱۱-۲۱۲ (۱۳۸۴):	۲۲۲
دوره یا سال انتشار شماره	تاریخ	شماره صفحه

اصغر جعفری ولدانی، "طرح‌های تجزیه خوزستان،" اطلاعات سیاسی- اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۲۱۱-۲۱۲ (۱۳۸۴): ۳۲.

Ilya Bodonski, "Caring among the Forgotten," **Journal of Social Activism** 14, no. 3 (1989): 117.

کتابنامه

جعفری ولدانی، اصغر. "طرح‌های تجزیه خوزستان،" اطلاعات سیاسی- اقتصادی، سال

شمای کلی ارجاع به مقالات مجلات تخصصی بر اساس شیوه نامه شیکاگو

Bodonski, Ilya. "Caring among the Forgotten" **Journal of Social Activism** 14, no. 3 (1989): 112-3.

مجلات عمومی

پانوش/ پی‌نوشت

مصطفی گلپاری، "تابستانی خوش" (پاورقی ایرانی)، اطلاعات هفتگی، ۲۲ تیر ۱۳۸۲، ۳۸
Adam Rogers, "Thinking Differently: Brain Scans Give New Hope of Diagnosing," **Newsweek**, 25 December 1998, 60-62.

کتابنامه

گلپاری، مصطفی. "تابستانی خوش" (پاورقی ایرانی)، اطلاعات هفتگی، ۲۲ تیر ۱۳۸۲، ۳۸
Rogers, Adam. "Thinking Differently: Brain Scans Give New Hope of Diagnosing," **Newsweek**, 25 December 1998, 60-62.

مقالات کامل مجلات تخصصی با استفاده از سایت ProQuest^{۳۹}

پانوش/ پی‌نوشت

Philip I. Earl, "Building Hoover Dam: An Oral History of the Great Depression," **The Oral History Review** 24 (1997), Available: ProQuest; ADDRESS: <http://proquest.umi.com> (May 5, 1999).

کتابنامه

Earl, Philip I. , Winter 1997. "Building Hoover Dam: An Oral History of the Great Depression" **The Oral Review** 24 (1997). Available: ProQuest; ADDRESS: <http://proquest.umi.com/>. (May 5, 1999).

روزنامه‌ها

پانوش/ پی‌نوشت

فرزانه روستائی، "پدیده عاملان انتحاری،" شرق، ۲۸ تیر ۱۳۸۴، س ۴۰. چهارم، ص. ۱
Tanya Kerstiens, "Pick a Color: Children of Mixed Race Struggle to Find Identity," **Bellingham Herald**, 10 January 1999, sec. C, p.1.

کتابنامه

طبق شیوه نامه شیکاگو نیازی نیست که خبرهای روزنامه یا تحلیل‌های ژورنالیستی در کتابنامه فهرست شوند. بر این اساس ذکر مطلبی از روزنامه، در پانوش/ پی‌نوشت کفایت می‌کند.

کتاب

پانوش/ پی‌نوشت

اگر کتابی سه یا کمتر از سه نویسنده داشته باشد، شیوه ارجاع در پانوش/ پی‌نوشت و کتابنامه بدین صورت است:

احمد گل محمدی، **جهانی شدن، فرهنگ، هویت** (تهران: نی، ۱۳۸۳)، ۱۲.

Gilbert Herdt, **Same Sex, Different Cultures: Exploring Gay and Lesbian Lives** (Boulder, Colorado: Westview Press, 1997), 32.

اگر نقل قولی از همان منبع بلافاصله ذکر شود از واژه همان در فارسی و از واژه Ibid در انگلیسی استفاده می‌کنیم و در صورتی که صفحه متفاوت بود نام صفحه را می‌نویسیم. اما اگر بین منابع فاصله افتاد. نام خانوادگی نویسنده را نوشته و بعد شماره صفحه را ذکر می‌کنیم.^{۴۱}

- همان.

- گل محمدی، ۳۸.

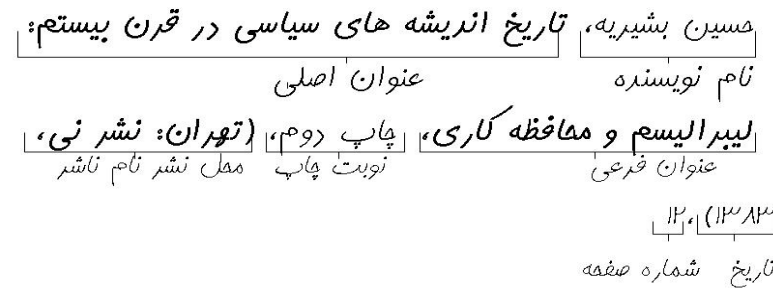
- Ibid .

- Herdt, 32. .

کتابنامه

گل محمدی، احمد. جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران: نی، ۱۳۸۳.
Herdt, Gilbert. **Same Sex, Different Cultures: Exploring Gay and Lesbian Lives**. Boulder, Colorado :Westview Press, 1997.

بر اساس شیوه نامه شیکاگو اگر کتاب بیش از سه نویسنده داشته باشد در پانوشت/



پی‌نوشت اسم نویسنده نخست را نوشته بعد در ادامه آن اسم "و دیگران." یا "و سایرین." یا "و همکاران." اضافه می‌شود در انگلیسی عبارت. et. al یا and others. اضافه می‌شود. نکته مهم آنست که در کتابنامه باید تمام اسامی به طور کامل ذکر شود. متأسفانه ما در حوزه علوم سیاسی کتابی را نیافتیم که بیش از سه نویسنده داشته باشد و به زبان فارسی نوشته شده باشد. بنابراین در اینجا صرفاً از مثال انگلیسی برای نشان دادن نحوه ارجاع استفاده می‌کنیم:

پانوشت/پی‌نوشت

Mary Jones et al., **A History of the World** (Bellingham: From the Beginning Press, 2000) .

شیوه ارجاع به همان اثر اگر فاصله‌ای بین منابع باشد:

10. Jones et al. , **History of the World**, 17.

کتابنامه

Jones, Mary, Frank Smith, Alex Jackson and Sarah Pope. **A History of the World**. Bellingham: From the Beginning Press, 2000.

استفاده از مدخل دریک دائره‌المعارف یا فرهنگ آن‌لاین عمومی
پانوشت/ پی‌نوشت

"Salish," Britannica Online,
<<http://www. eb. com: 180/cgi- n/g?DocF= micro/520/47. htm l>> (15 February 1999).

کتابنامه

"Salish. "Britannica Online" .
<<http://www. eb. com: 180/cgi-in/g?DocF=micro/520/47. html>> (15 February 1999)

استفاده از مدخل در یک دائره‌المعارف، فرهنگ و کتاب مرجع تخصصی
پانوشت/ پی‌نوشت

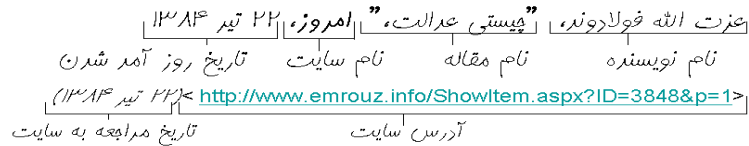
حسن انوشه^{۲۲}، سرپرست. فرهنگ‌نامه ادبی فارسی (گزیده اصطلاحات، مضامین، و موضوعات ادب فارسی) (تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۶)، نگاه کنید زیر عنوان "آشنائی‌زدایی" نوشته هومن عباسپور.

Charles Phillips and Alan Axelrod, eds. *Encyclopedia of the American West* (New York: Simon & Schuster Macmillan, 1996) , s. v. "Cowboy Songs," by Charlie Seemann.

کتابنامه

انوشه، حسن، سرپرست. فرهنگ‌نامه ادبی فارسی (گزیده اصطلاحات، مضامین، و موضوعات ادب فارسی). تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۶. نگاه کنید زیر عنوان "آشنائی‌زدایی" نوشته هومن عباسپور.

(۲۲ تیر ۱۳۸۴). <<http://www.emrouz.info/ShowItem.aspx?ID=3848&p=1>>



شمای کلی ارجاع بر اساس شیوه نامه شیکاگو:

Hugh Elton, "Byzantine Warfare," **Warfare in the Ancient World**, 4 April 1999. <<http://shakti.trincoll.edu/~helton/army.html>> (23 April 1999).

کتابنامه

فولادوند، عزت الله "چیستی عدالت"، امروز.

(۲۲ تیر ۱۳۸۴). <<http://www.emrouz.info/ShowItem.aspx?ID=3848&p=1>>

شمای کلی ارجاع به سایت بر اساس شیوه نامه شیکاگو

Elton, Hugh. "Byzantine Warfare." **Warfare in the Ancient World**. 4 April 1999. <<http://shakti.trincoll.edu/~helton/army.html>> (23 April 1999).

نقد و بررسی کتاب

پانوشت/پی‌نوشت^{۴۶}

ناصر فکوهی، "پرسه‌ای در گذشته‌های مه‌آلود"، نقد و بررسی کتاب **در بی‌دولتی فرهنگ**، نوشته جلال ستاری، کتاب ماه علوم اجتماعی، سال چهارم، شماره ۹ و ۱۰ (۱۳۸۰): ۵-۸.

Susan Lardner, "Third Eye Open," review of **The Salt Eaters**, by Toni Cade Bambara, *New Yorker*, 5 May 1980, 169.

Phillips, Charles and Alan Axelrod, eds. *Encyclopedia of the American West*. New York: Simon & Schuster Macmillan, 1996. s. v. "Cowboy Songs," by Charlie Seemann.

پایان نامه

پانوشت/پی‌نوشت

ابوالفضل دلاوری، "ریشه‌های اجتماعی خشونت و بی‌ثباتی سیاسی در ایران" (پایان نامه دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۸) [ذکر شماره صفحه یا صفحات مورد استفاده].

James M. Diehl, "Anthropology at War: World War I and the Science of Race in Germany" (**Ph. D. diss.**, Indiana University, 2002).

کتابنامه

دلاوری، ابوالفضل. "ریشه‌های اجتماعی خشونت و بی‌ثباتی سیاسی در ایران." **پایان‌نامه دکتری**، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.

Diehl, James M. "Anthropology at War: World War I and the Science of Race in Germany." **Ph. D. diss.**, Indiana University, 2002.

وبسایت

از آنجایی که نوشتن آدرس اینترنتی برخلاف زبان فارسی چپ‌چین است. پیشنهاد می‌شود برای رفع این مشکل، آدرس سایت در سطر دیگری نوشته شود. در غیر صورت آدرس وبسایت به هم خواهد ریخت^{۴۳}. نکته قابل ذکر دیگر آنکه تاریخ نخست در این ارجاع تاریخ ایجاد وبسایت یا تاریخ آخرین بار روزآمد شدن وبسایت است^{۴۴} و تاریخ دوم، تاریخ مراجعه به وبسایت و استفاده از مطلب سایت^{۴۵} است.

پانوشت/پی‌نوشت

عزت الله فولادوند، "چیستی عدالت"، امروز، ۲۲ تیر ۱۳۸۴

کتابنامه

فکوهی، ناصر. "پرسه‌ای در گذشته‌های مه‌آلود،" نقد و بررسی کتاب *در بی‌دولتی فرهنگ*، نوشته جلال ستاری، کتاب ماه علوم اجتماعی، سال چهارم، شماره ۹ و ۱۰ (۱۳۸۰): ۵-۸.

Lardner, Susan. "Third Eye Open." Review of *The Salt Eaters*, by Toni Cade Bambara. *New Yorker*, 5 May 1980, 169.

ویدئو^{۴۷} (سی دی و دی وی دی...)

پانوش/پی‌نوشت

بهرام بیضائی، *سگ‌کشی*، (تهران: موسسه رسانه‌های تصویری، ۱۳۷۹)، نوار ویدئو.

کتابنامه

بیضائی، بهرام. *سگ‌کشی*. تهران: موسسه رسانه‌های تصویری، ۱۳۷۹، نوار ویدئو.

پانوش/پی‌نوشت

Albert DeMond and Gerald Geraghty, *The Red Menace* (Los Angeles, Calif: Republic Pictures Home Video, 1991), videorecording.

کتابنامه

DeMond, Albert and Gerald Geraghty. *The Red Menace*. Los Angeles, Calif: Republic Pictures Home Video, 1991. Videorecording.

شرایط خاص ارجاع

خوانندگان ارجمند بی‌تردید به این نکته واقف‌اند که علی‌رغم اعتبار این شیوه‌نامه، باید هنگامی که مقاله‌ای برای کنفرانس یا مجله‌ای می‌فرستند در صورتی که آن کنفرانس یا مجله شیوه خاصی را برای تنظیم مقاله معرفی کرده است. به ناچار باید بدان شیوه

پای‌بند باشند تا مقاله شان مورد پذیرش قرار گیرد^{۴۸}. برای اینکه نمونه عینی به دست داده باشیم دو شیوه تنظیم مقالات را از دو مجله معتبر داخلی و خارجی در زیر می‌آوریم. نخست مجله چپ نو را انتخاب می‌کنیم این مجله را از این جهت به عنوان مثال برگزیده ایم که شرایط خاص دارد نخست آنکه کسی که برای این مجله مقاله می‌نویسد پیشاپیش باید نگرش مارکسیستی این مجله را بپذیرد و در آن چارچوب صحبت کند. دوم آنکه برخلاف بسیاری از مجلات شیوه ارجاع این مجله پانوش است نه پی‌نوشت. سوم این مجله یکی از معتبرترین مجلات علوم سیاسی است که چاپ مقاله در آن کار بسیار دشواری است. نویسندگانی صاحب نامی چون یورگن هابرماس، پری اندرسون، فردریک جیمسون... از نویسندگان این مجله هستند. این مجله خود شیوه رفرنس‌نویسی خود را ارائه می‌دهد (که البته شیوه پانوش/پی‌نوشت- کتابنامه شیکاگوست اما شرایط خاص دیگری هم دارد با هم این شرایط را می‌خوانیم:

راهنمای پذیرش مقاله^{۴۹}

مجله *New Left Review* از مقالات و دیدگاه‌ها و بررسی کتاب‌هایی که مسائل عمده روز را مورد توجه قرار می‌دهند استقبال می‌کند. نویسندگان باید این نکته را در خاطر داشته باشند که این مجله، نشر دانشگاهی نیست (که مقالات دانشگاهی را به معنای کلاسیک آن منتشر کند) بلکه نشریه‌ای است که به ایده‌ها می‌پردازد از این رو نوشته‌هایی ارزشمند هستند که خلاقانه، هوشمندانه و تأمل برانگیز باشند. به بیان دیگر الگوهای نثر این آثار بنجامین، بلوخ یا مارکس هستند. نه مقاله متوسطی که در همایش ارائه می‌شود. مقالات ارائه شده باید چنان دانشورانه و ظریف نوشته شده باشند که خوانندگان بیشتری توان درک مطالب را داشته باشند.

تعداد کلمات^{۵۰}

تعداد کلمات را ضرورت نظری مقاله باید تعیین کند اما اغلب مقالاتی که در این نشریه منتشر شده‌اند تعداد کلمات مقالات آنان بین ۴۰۰۰ کلمه تا ۱۲۰۰۰ کلمه بوده است در حالی که تعداد کلمات بررسی کتاب بین ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ کلمه بوده است.

شیوه استفاده از پانوشت

پانوشت‌ها در انتهای صفحه قرار می‌گیرند و از این جهت مورد توجه هستند که منابع مورد استفاده را مشخص می‌کنند و توضیحات معترضه و در ارتباط با متن در آنان منعکس است. پانوشت‌های نباید انباشته از اطلاعات کتابنامه‌ای بی‌ربط باشد و از سوی دیگر باید به این نکته توجه داشت که آثاری که نویسنده آنان را نخوانده است، نمی‌بایست در پانوشت‌ها بیاید. همچنین نویسندگان مقالات باید از آوردن نقل قولی از خود و آثار خود بپرهیزند.^{۵۱}

شیوه کلی پانوشت‌های نشریه چپ نو از این قرار است:

1. Susan L. Woodward, *Balkan Tragedy: Chaos and Dissolution after the Cold War*, Washington DC 1995, p. 28–9.
2. Fredric Jameson, 'Marx's Purloined Letter', in Michael Sprinker, ed., *Ghostly Demarcations*, London 1999, p. 51.
3. Lorna Sage, 'The First Bacchante', *London Review of Books*, 29 April 1999.
4. Johanna Brenner, 'The Best of Times, The Worst of Times: US Feminism Today', *NLR I/200*, July–August 1993, pp. 156–7.

لطفاً توجه بفرمائید که در بررسی کتاب از پانوشت استفاده نمی‌شود.

1. Susan L. Woodward, *Balkan Tragedy: Chaos and Dissolution after the Cold War*, Washington DC 1995, p. 28–9 .
2. Fredric Jameson, 'Marx's Purloined Letter', in Michael Sprinker, ed., *Ghostly Demarcations*, London 1999, p. 51 .
3. Lorna Sage, 'The First Bacchante', *London Review of Books*, 29 April 1999.
4. Johanna Brenner, 'The Best of Times, The Worst of Times: US Feminism Today', *NLR I/200*, July–August 1993, pp. 156–7 .

شکل مقاله

مقالات را باید در محیط word تایپ کرده و سپس به وسیله ایمیل — به صورت فایل ضمیمه — به این آدرس ارسال کنید:

editorial@newleftreview.org

یا آنکه مقاله یا مقالات مورد نظر را (همراه با فلاپی دیسک آن) به آدرس پستی زیر بفرستید:

New Left Review, 6 Meard Street, London, England, W1F 0EG .

مجله دوم را کتاب ماه علوم اجتماعی^{۵۲} انتخاب کردیم از این جهت که این مجله تخصصی از شیوه نویسنده — تاریخ نشر در ارجاع استفاده می‌کند و نیز شرایط خاصی برای پذیرش مقاله در نظر گرفته است:

رفرنس‌نویسی، یکی از مشکلات اساسی پژوهش در علوم انسانی است. ما در این مقاله، شیوه نامه شیکاگو را به صورت اجمالی معرفی کردیم. این شیوه نامه یکی از معتبرترین (یا به بیانی دیگر معتبرترین) شیوه نامه رفرنس‌نویسی است. امید است پژوهش‌گران ارجمند با دقت نظر بر این شیوه نامه بنگرند و اگر آن را در خور اهمیت یافتند، به کاربندند. به نظر ما کمترین فایده کاربست شیوه نامه شیکاگو، سامان یافتن بازار آشفته شیوه‌های ارجاع و رفرنس‌نویسی در علوم انسانی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. به عنوان نمونه می‌توان به کارهای ارزشمند ذیل اشاره کرد:

میر شمس‌الدین ادیب سلطانی. **راهنمای آماده ساختن کتاب**. ویراست سوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱. در این کتاب ده‌ها صفحه به شیوه رفرنس‌نویسی شیکاگو اختصاص داده شده است. البته این شیوه ترجمه نشده و به همان صورتی که در شیوه نامه آمده است، در انتهای کتاب ذکر گردیده است.

شیوه نامه جهان اسلام، چاپ دوم، تهران: بنیاد دائره‌المعارف اسلام، ۱۳۷۵.

احمد سمیعی، **آئین و نگارش**، چاپ سوم، تهران: سمت، ۱۳۸۰.

شیوه‌نامه مرکز نشر دانشگاهی، ویرایش دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.

مریم شریف نسب در مقاله‌ای با ذکر مثال به برخی از این پراکندگی‌ها اشاره کرده است:

” — روش دکتر یاحقی و دکتر ناصح درکتاب «راهنمای نگارش و ویرایش» (صص ۹۲ تا ۹۸): نام نویسنده (نام کوچک و سپس نام خانوادگی)، عنوان کتاب، نام مصحح یا مترجم (نام کوچک و سپس نام خانوادگی)، مشخصات چاپ کتاب (تعداد مجلدات، نوبت چاپ، نام سلسله انتشارات داخل گیومه، نام ناشر، محل چاپ، تاریخ چاپ)، شماره جلد (اگر کتاب چند جلدی باشد)، شماره صفحه مورد نظر. — روش دکتر غلامحسین‌زاده در کتاب «راهنمای ویرایش» (صص ۸۷ تا ۹۱): نام نویسنده (نام خانوادگی و سپس نام کوچک)؛ نام اثر؛ شماره جلد و صفحه. — روش آقای سمیعی (گیلانی) در کتاب «نگارش و ویرایش» (صص ۲۴۰ تا ۲۴۳): (نام نویسنده، شماره صفحه) نگاه کنید به:

مریم شریف نسب، ”مستند کردن نوشته‌ها در علوم انسانی،” *زبان و ادب* (مجله دانشکده ادبیات و

الف. حداکثر ملول مطلب

۱) معرفی کتاب

۱-۱) کتابهای فارسی: ۴ صفحه ۸۴ تاپب شده ۳۰۰ کلمه‌ای.

۲-۱) کتابهای غیرفارسی: ۶ صفحه ۸۴ تاپب شده ۳۰۰ کلمه‌ای.

۲) معرفی و نقد کتاب: ۸ صفحه ۸۴ تاپب شده ۳۰۰ کلمه‌ای.

۳) مقاله: ۶ صفحه ۸۴ تاپب شده ۳۰۰ کلمه‌ای.

ب. ارجاع دهی

۱) ارجاع دهی به کتاب مورد معرفی یا نقد: درون متن، داخل پرانتز و فقط با ذکر شماره صفحه؛ مثال: (ص ۲۳، (صص ۲۳ و ۲۴)، (صص ۲۳-۲۵)، (pp. 15-17)

۲) ارجاع دهی به منابع دیگر (کتاب یا مقاله فارسی یا غیرفارسی):

درون متن، داخل پرانتز و به شکل (نام خانوادگی صاحب اثر، سال انتشار: شماره صفحه).

۳) فهرست منابع (فارسی یا غیرفارسی): در انتها پس از پی‌نوشت به ترتیب الفبایی نام خانوادگی صاحب اثر

۱-۳) کتاب: نام خانوادگی صاحب اثر، نام (سال انتشار) عنوان کتاب. نام و نام‌خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). محل انتشار: ناشر

۲-۳) مقاله: نام خانوادگی صاحب اثر، نام (سال انتشار) «عنوان مقاله». نام و نام‌خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). نام مجله. سال یا دوره، شماره.

۳-۳) مقاله‌ای از یک کتاب: نام خانوادگی صاحب اثر، نام (سال انتشار) عنوان مقاله. نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). در (in) نام و نام‌خانوادگی ویراستار مجموعه. عنوان مجموعه. محل نشر: ناشر. شماره صفحات.

۴-۳) پایگاه اینترنتی: نشانی URL + تاریخ دقیق بازدید (روز / ماه / سال). مثال: 2003/10/4.

ج. نکات ضروری دیگر

۱) ذکر معادل غیرفارسی واژه‌های تخصصی، اسامی افراد یا مکانها، کوتغوشتها و سرواژه‌ها، درون متن و داخل پرانتز.

۲) هرگونه توضیح اضافی ضروری، به ترتیب شماره در پی‌نوشت انتهایی مطلب (پیش از فهرست منابع).

۳) رعایت فاصله ۲/۵ سانتیمتر بین سطرها و نیز ۲/۵ سانتیمتر از هر یک از کناره‌های راست و چپ صفحه.

۴) حتی‌المقدور تاپب کردن مطلب و در غیر این صورت نوشتن با خط درشت و خوانا و فقط با خودکار مشکی.

۵) نوشتن تنها بر یک روی کاغذ.

۶) آدرس دهی کامل در مقالاتی که ترجمه یک نقد (book review) است و حتی‌الامکان معرفی نویسنده نقد.

۷) ذکر مشخصات کتاب‌شناختی اثر مورد بررسی: نام و نام خانوادگی صاحب اثر، عنوان اصلی و فرعی اثر، مترجم (در صورت لزوم)، محل نشر، ناشر، سال نشر، تعداد صفحات، ISBN یا شابک، قیمت، شمارگان و نوبت چاپ.

۸) ذکر مشخصات تحصیلی نگارنده (رشته، آخرین مقطع و محل تحصیل)، اشتغال فعلی، نشانی الکترونیک و تلفن تماس.

۱. برای اینکه مطلب برای خوانندگانی که کتاب را مطالعه نکرده‌اند نیز قابل استفاده باشد، قبل از هر چیز لازم است کتاب به اختصار و به نحو مناسبی معرفی شود و متن به گونه‌ای نگارش یابد که بخشهای معرفی و نقد و نظرات نویسنده کتاب و نویسنده نقد به روشنی قابل تشخیص باشد.

۲. منظور از مقاله در اینجا آن دسته از نوشته‌هایی است که: به روش بررسی کتابی تحلیل وضعیت چاپ و انتشار کتابهای حوزه‌های علوم اجتماعی در داخل یا خارج کشور و یا هر موضوع دیگر مرتبط با نشریه، به غیر از بررسی کتابی اختصاص یابد.

کلام آخر

گفتیم که پراکنده‌نویسی در زمینه ارجاع به منابع و بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف

زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبائی)، شماره ۲۱ (۱۳۸۱): به نقل از: مریم شریف نسب، "مستند کردن نوشته‌ها در علوم انسانی"، **پارسی** (نشریه الکترونیک تخصصی زبان و ادبیات فارسی)،

(۲۸ تیر ۱۳۸۴) <http://www.paarsi.com/article_view.asp?ID=32>

۲. باید به این نکته عنایت داشت که از آنجایی که هدف از ذکر حکایات‌ها اغلب نصیحت، هشدار و رهنمود است بعید نیست که بخشی از آنان نه مستند به واقعیت‌های تاریخی بلکه زائیده ذهن نویسندگان نکته‌سنج بوده باشد.

۳. ابوالفضل بیهقی، "در نقل اخبار تاریخی"، **هزار سال نثر پارسی**. [به کوشش] کریم کشاورز، کتاب اول، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷، ۴۰۲.

۴. مؤلف کتاب **دبستان المذاهب** بر این باور است که کتبی که در مورد مذاهب و ملل و نحل تا زمان او (قرن یازدهم هجری) نوشته‌اند همه جانب‌دارانه بوده‌اند. از جمله کتاب **تبصرة العوام** که کتابی است درباره مذاهب و آئین‌های مختلف. از این رو او در تلاش بوده که برخلاف گذشتگان تنها دنبال حقیقت باشد (شاید به همین دلیل است که او مذهب خود را به صراحت اعلام نکرده است). و بدون هیچ‌گونه تعصب مطالب از زبان شارحان و خدایگان آن مذاهب بشنود و بنویسد یا آنکه در کتاب‌های آنها بیاید. در این طریق البته چنان‌که خود می‌گوید نخبگان و دوستانش مشوق او بوده‌اند نگاه کنید به:

— **دبستان المذاهب** [مؤلف نامعلوم]، به کوشش علی اصغر مصطفوی، تهران: بی‌نا، ۱۳۶۱، ص ۳۲۷
۵. گزارش را در گذشته به صورت گزارش می‌نوشتند از این رو ما نیز در متن دخل و تصرفی نکرده‌ایم.
۶. همان.

۷. با این همه برخی از استنادات او — که اتفاقاً از بزرگان مذاهب آن زمان (قرن یازدهم هجری) نقل شده است. چندان محل وثوق نیست. مثلاً در ذکر عقاید شیعه اثنی‌عشر از بزرگان نقل قول می‌کند که گویا در زمان عثمان برخی از آیات که در فضیلت حضرت علی (ع) بوده است سوزانده شده‌اند. و سپس در ادامه آن سوره مورد ادعا را به طور کامل بیان کرده است:

"در مذهب اثنی‌عشریه از ملامحمد معصوم، و محمد مومن تونی، و ملا ابراهیم که در هزار و پنجاه و سه در لاهور بوده‌اند، و از جمعی دیگر آنچه نامه‌نگار شنیده می‌آورد... گویند ابوبکر، عمر، عثمان و بنی امیه و عباسیه با یاوران خود غاصب حق ائمه معصومین بوده‌اند و ایشان را نفرین کنند و بعضی از ایشان گویند که: عثمان مصاحف را سوخته، بعضی از سوره[ه]ها که در شأن علی و فضل آتش بود برانداخت و یکی از آن سوره[ه]ها این است... "این گفته" شایعه تحریف قرآن" را متبادر ذهن می‌کند که همه علمای اسلامی به اتفاق آراء آن را مردود می‌دانند. و اتفاقاً برخلاف ادعای نویسنده کتاب **دبستان المذاهب** استدلال‌هایی آورده‌اند که حال مجال آن بحث نیست. تنها به این نکته که به بحث ما ارتباط دارد اشاره می‌کنیم که در باب سنجش اعتبار یک منبع، صرف راستگو بودن نویسنده کافی نیست. بلکه انطباق آن با امر واقع — چنان‌که بیهقی به ظرافت گفته است — لازم است.

۸. البته عنعنات جدا از معنائی که ما در اینجا از آن مراد می‌کنیم، معنای دیگری هم دارد و آن آئین‌ها و

رسوم به ارت رسیده از گذشتگان است. به نظر می‌رسد که سید ضیاء‌الدین طباطبائی این واژه را در ادبیات سیاسی معاصر رواج داده است چنان‌که او بارها واژه "عنعنات ملی" را در نوشته‌ها و گفته‌های خود به کار برده است. در آثار صادق هدایت هرچند ظاهراً همان معنای مرده ریگ فرهنگی نیاکان را دارد اما افزون بر این، وجه منفی هم پیدا کرده است: "... میل اینکه اگر من مسهل می‌خورم همه مجبورند مسهل بخورند و یا ادای مسهل خوردن را در بیاورند. اینها عنعنات است." نگاه کنید به:

صادق هدایت. به نقل از: **مجموعه آثار نیلوفر بیضائی**، ۲۳ خرداد ۱۳۸۴.

<<http://www.nbeyzaie.com/thema1/thema1n.htm>> (۲۲ خرداد ۱۳۸۴)

این نکته را هم بیفزائیم که این کلمه هنوز در ادبیات افغانستان مصطلح است "عمده‌ترین آمادگی که مردم برای نوروز می‌گیرند این است که هر فامیل در هر سطح زندگی که باشد حداقل برای ۱۰ نفر مهمان آماده پذیرش می‌شود و برای آنها جای بود و باش، خوراکی و امثال آن را تهیه می‌کند. این میزبانی جزء **عنعنات** قبول شده این ولایت گردیده و سخت به آن پایبنداند... درغزنی مثل همه ولایات افغانستان نوروز یا روز اول سال با مراسم ویژه برگزار می‌گردد و مردم غزنی آمدن بهار را با یک سلسله **عنعنات** و رسوم و رواج‌ها استقبال می‌کنند... در همه مناطق افغانستان در رابطه به نوروز و فصل بهار و دیگر فصول سال یک سلسله مراسم، تدارکات و رواج‌های خاص وجود دارد که تقریباً این **عنعنات** مشابه بوده اما تفاوت‌هایی وجود دارد." نگاه کنید به:

"نوروز در افغانستان"، **هفته‌نامه الکترونیکی مردم** (وابسته حزب حرکت اسلامی مردم افغانستان)،

<<http://www.hhima.org.af/039.htm>> (۲۸ تیر ۱۳۸۴)

۹. بیهقی، ۳۳۵.

۱۰. به نقل از **تذکره اولیاء** عطار نگاه کنید به:

غلامعلی شجاعی، "شریعت، طریقت و حقیقت در سلوک عرفانی تشیع"، **بانک مقالات اسلامی**،

<http://www.seraj.ir/engine/View_article.asp?ID=A57939> (تیرماه ۱۳۸۴)

۱۱. نگاه کنید به: حسینعلی بیهقی. بررسی و معرفی کتاب **القصاص والمذکرین** تألیف از لابی‌الفرج بن العجوزی زیر نظر پرویز ذکائی **مجله هنر و مردم** دوره ۱۳-۱۵، شماره ۱۶۸ (۱۳۵۵): ۸۰-۸۶. و نیز مراجعه کنید به ادرس اینترنتی ذیل:

<<http://www.ichodoc.ir/p-a/CHANGED/168/html/168-80.htm>>

۱۲. ناصر خسرو، "سفرنامه"، **هزار سال نثر پارسی**. [به کوشش] کریم کشاورز، کتاب اول، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷، ۲۱۸.

۱۳. نگاه بیهقی به مسائل مختلف چنان ظریف است که در تاریخ نثر کلاسیک پارسی بی‌مانند است. به عنوان مثال او رفتن حسنک به سمت چوبه دار را چنان دقیق توصیف می‌کند که با این توصیف می‌توان به ویژگی‌های اجتماعی و شخصیتی حسنک (مثلاً مرتب بودن، متعلق به خانواده‌ای سرشناس و بزرگ بودن، و آراستگی) با توجه به نحوه پوشش او پی برد و در این میان، **اندک مویی** که از زیر دستار او

بیرون زده است نیز از نگاه ریزبین بیهقی دور نمانده است:

”حسنگ پدید آمد بی‌بند، جبه‌ای داشت حبری رنگ با سیاه می‌زد، خَلَقِ گونه، دراعه‌ای و ردایی سخت پاکیزه، و دستاری نیشابوری مالیده، و موزه میکائیلی نو در پای، و موی سر مالیده زیر دستار پوشیده کرده اندک مایه پیدا بود“ نگاه کنید به:

– سمعی (گیلانی)، ۹۴.

۱۴. چون کتب در گذشته کتب خطی بوده‌اند بنابراین ذکر بسیاری از مشخصات که اینک الزامی است، در گذشته الزامی نبوده است از جمله **نوبت چاپ و محل نشر و ناشر و تاریخ نشر**.

۱۵. بوعلی محمد بن محمد بن بلعمی. **تاریخ بلعی**، تکمله و ترجمه تاریخ طبری به تصحیح محمد تقی بهار، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۸۰، ۶۷۶.

۱۶. ابوالفضل بیهقی، ۳۱۰.

۱۷. محمدعلی فروغی، **سیرحکمت در اروپا**. به تصحیح و تحشیه امیر جلال الدین اعلم تهران: البرز، ۱۳۷۵.

۱۸. کتاب **سیر حکمت در اروپا** کتابی است کم نظیر در ادبیات فارسی که با آنکه از تألیف آن حدود هفتاد سال می‌گذرد (بخش اول کتاب در سال ۱۳۱۵ چاپ شد و سپس در سال ۱۳۱۸ این اثر تکمیل شد و به شکل فعلی در دسترس همگان قرار گرفت) هنوز از مراجع اصلی فلسفه غرب برای فارسی زبانان است. ابداع اصطلاحات و معادل‌های بسیاری در فارسی در برابر مفاهیم مشکل و پیچیده دیدگاه فیلسوفانی چون **کانت، فیخته، نیچه** و... تنها یکی از چندین کار شگرفی است که این نویسنده کرده است. شاید یکی از دلایلی که او به رفرنس‌های دقیق نپرداخته است آن بوده است که در آن زمانی نیازی به این کار نمی‌دیده است. از خاطر نبریم که او این کتاب را زمانی نوشت که دانشمندان زبان‌دان بسیار اندک بودند و افراد کمی هم بودند که با فلسفه غرب آشنائی داشتند و هیچ‌گونه پیشینه نظری (به‌جز دیدگاه‌های فلسفی چند تن از بزرگان فلسفه غرب نظیر ارسطو و افلاطون که ایرانیان از طریق ترجمه‌های عربی با آن آشنا بودند) وجود نداشت.

۱۹. همان، ۲۰۴.

۲۰. همان، ۲۵۵.

۲۱. رسم بر آن است که اگر طول سطرهای نقل قول از سه سطر بیشتر باشد. آن نقل قول در سطر بعد و با حاشیه بیشتر می‌نویسند.

۲۲. در این زمینه باید به دو نکته جزئی توجه نمود. نخست آنکه حد فاصل بین نام خانوادگی مؤلف و تاریخ لازم نیست از ویرگول استفاده کنیم. دوم اینکه بعد از ”و دیگران“ یا ”et al“ نقطه یا ایست نما استفاده می‌کنیم مثلاً (افتخاری و دیگران. ۱۳۸۴).

۲۳. مرسوم است که برخی از محققین ترجیح می‌دهند که به جای استفاده از نام خانوادگی فرد بر حسب الفبا، بر اساس میزان ”اعتبار“ نویسندگان یکی از آنها را به عنوان نویسنده نخست بنویسد و از

عبارت ”و دیگران“ برای بقیه استفاده کند. نگارنده این روش را توصیه نمی‌کند. چون خلاف قاعده متعارف است و مانع یک‌دست شدن رفرنس‌نویسی می‌شود.

۲۴. البته خوانندگان ارجمند بر این نکته وقوف دارند اما صرفاً جهت تذکار عرض می‌شود که ویرگول و نقطه ویرگول باید حتماً به کلمه پیشین بچسبند. دلایلی چندی برای این مسئله وجود دارد اما دلیل فنی آن این است اگر فاصله بین ویرگول یا نقطه ویرگول و کلمه بیفتد آنگاه ویرگول یک کلمه محسوب شده بنابراین هنگام تراز کردن سطرها (justify) ممکن است ویرگول در اول یا انتهای یک سطر به تنهایی قرار گیرد. گفتنی است که کروش و پرائنز هم مصداق همین نکته هستند. این نکته را هم بیفزائیم که در برنامه‌های آفیس (office) مایکروسافت (از جمله word ، front page و...) این مشکل را تقریباً حل شده است. بدین صورت که اگر ویرگول یا نقطه ویرگول به کلمه نچسبیده باشند یا کلمات اول و آخر یک جمله یا عبارت داخل پرائنز به دو هلال آن نچسبیده باشد زیر کلمه خط سبز کشیده می‌شود تا بدین وسیله نویسنده از این مسئله آگاه شود.

۲۵. در شیوه نامه وبستر همانند شیوه نامه شیکاگو بر این نکته تأکید شده است اما شیوه نامه هاروارد برعکس تأکید کرده است که همانند شیوه علوم انسانی، عناوین مقالات و فصل‌ها و... باید در داخل گیومه قرار گیرد. نگاه کنید به:

“Harvard (author-date) style examples,” Monash university library,

<<http://www.lib.monash.edu.au/tutorials/citing/harvard.html>> (25 July 2005).

۲۶. در زبان فارسی چون حروف به صورت پیوسته نوشته می‌شود خودبه‌خود اگر حروف نخست به تنهایی استفاده شوند به صورت بزرگ نوشته می‌شوند بنابراین نیازی به این تذکار نیست.

۲۷. نگارنده نگرش فاصله گرفتن از متن برای فهم بهتر مطلب را از تئاتر وام گرفته است. دو نگرش عمده در تئاتر امروز وجود دارد. یکی از این نگرش‌ها دیدگاه استانیسلاوسکی است که بنیان آن بر حافظه حسی است. بدین معنا که بازیگر باید به کمک حافظه حسی خود، چنان در آن نقش فرو رود و به باورپذیری برسد که حایل بین نقش خود و شخصیت اصلی را بردارد و تا آنجایی که امکان دارد با شخصیت داستان یکی شود و حس کند و بدین ترتیب تماشاچی را هم به تمامی درگیر این حس کرده و با خود بکشاند. برتولد برشت بر عکس معتقد بود که باید کاری کرد که بیننده قدری از این حس فاصله بگیرد تا بتواند از بطن ماجرا خود را بیرون کشیده، فرصت اندیشیدن و تأمل پیدا کند. جالب است بدانیم که در تغزیه‌ها اغلب این فاصله‌گذاری رعایت می‌شود آنجا که در گرماگرم نمایش — که تماشاچی محو تماشااست — مثلاً ناگهان یزید رو به جمعیت می‌کند و می‌گوید: ”مردم بدانید من یزید نیستم! من دارم نقش یزید را بازی می‌کنم؛ لعنت بر یزید!“

۲۸. مثلاً فرض کنید که قلم فارسی شما کامران است اما قلم انگلیسی شما verdana و باز فرض کنید که اندازه قلم فارسی شما ۱۲ پوینت (در نرم افزار word) و اندازه قلم انگلیسی شما هم همین است. نوشته‌ای که شما می‌نویسید بدین صورت است (author, date: page).

29. Author-Date Citations and Reference List (Sciences style) Notes and Bibliographies (Humanities Style).

۳۰. در انگلیسی به آن **bold** می‌گویند.

۳۱. به خاطر یک‌دست شدن رفرنس‌نویسی فارسی و انگلیسی در این مقاله در زیر تمامی عناوین کتاب‌ها، مجلات، سایت‌ها و... خط کشیدیم. البته ترجیح نگارنده بر **bold** کردن عنوان کتب و نام مجلات و... بود اما در شیوه نامه شیکاگو به ایتالیک کردن و خط کشیدن زیر عنوان‌ها و... اشاره شده است. خط کشیدن بر زیر منابع این حسن را هم دارد که پژوهش‌گرانی که از قلم و کاغذ استفاده می‌کنند به راحتی و با کشیدن خط زیر منبع، می‌توانند منبع را از سایر مشخصات دیگر اثر متمایز کنند.

۳۲. به جای لغت پانوشت برخی از محققان **پانویس** و **پابرج** هم به کار برده‌اند.

33. Content footnote/endnote.

34. Reference footnote/endnote.

۳۵. نگاه کنید به: ادیب سلطانی، ۵۲۶-۵۲۸.

۳۶. خوانندگان ارجمند می‌توانند با مراجعه به سایت دانشگاه شیکاگو به‌ویژه بخش "پاسخ به سؤالاتی که بارها پرسیده می‌شود" پاسخ بسیاری از پرسش‌های خود را بیابند. نگاه کنید به:

"New Questions and Answers", **The Chicago Manual of Style**, 1 July 2005 <<http://www.chicagomanualofstyle.org/cmosfaq.html>> (18 July 2005).

نگارنده دوست‌تر می‌داشت که این سؤال و جواب‌ها را در اینجا ذکر کند. تا محققان و پژوهش‌گران هر چه بیشتر با این شیوه نامه آشنا شوند و بسیاری از ابهاماتی که در باب استفاده از ویرگول، نقطه، پرانتز، علامت نقل قول، ایتالیک کردن و... احیاناً وجود دارد، برطرف شود. اما به نظر می‌رسد که این بحث از حوصله این مقاله بیرون است.

۳۷. تمامی مثال‌های انگلیسی شیوه نامه شیکاگو از دو منبع ذیل عیناً ذکر شده‌اند:

"Quick Reference Guide to the Chicago Manual of Style," **Western libraries** <<http://www.library.wvu.edu/ref/chicago.html>> (19 July 2005) "Chicago Manual of Style Documentary Note or Humanities Style," **Williams College**,

<<http://www.williams.edu/library/citing/styles/chicago1.php>> (19 July 2005).

۳۸. با استفاده از سایت و پرداخت حق اشتراک کاربران می‌توانند به تمامی مجلات تخصصی معتبر انگلیسی به صورت آن‌لاین دسترسی یابند.

۳۹. حرف اختصاری **س** را ما برای ستون به کار بردیم. برای شمارش ستون‌ها می‌توان از حروف ابجد استفاده کرد. مثلاً در این مثال می‌توانیم بنویسیم **س. د** یا از عدد **س. ۴** یا از عدد به صورت حروف **س. چهارم** استفاده کنیم. یا به‌جای حرف **س** که ممکن است برای خواننده مبهم باشد از واژه ستون استفاده کنیم. (مثلاً بنویسیم. ستون. ۴ ص. ۱) در هر حال تصمیم‌گیری در این باره با ویرایشگران و

پژوهش‌گران است. اگر بخواهیم تا حدی به شیوه نامه شیکاگو نزدیک باشیم باید از حروف ابجد استفاده کنیم (الف-ب-ج-د...) اما به نظر نگارنده این کار باعث سردرگمی خوانندگان خواهد شد.

۴۰. در گذشته در انگلیسی بعد از نام خانوادگی مؤلف واژه پیشین یا پیشگفت (بر ساخته نگارنده) و در انگلیسی واژه **op. cit.** را به کار می‌بردیم. مثلاً: **Herdt, op. cit.**, 32. اما شایسته است که در تبعیت از این شیوه نامه، از شیوه قبلی استفاده نکنیم.

۴۱. متأسفانه نگارنده در فرصتی که برای نگارش این مقاله داشت، در زبان فارسی فرهنگ سیاسی‌ای نیافت که بیش از سه نفر مؤلف داشته باشد. از این رو از فرهنگ فوق برای بیان منظور و ارائه مثال استفاده کرده است.

۴۲. مشکل دیگر این است که در صورتی که اندازه فونت نوشتار تغییر کند متأسفانه آدرس باز به هم خواهد ریخت (به‌واسطه دو گانگی بین چپ چین و راست چین بودن خطوط)

۴۳. اگر هر دو تاریخ موجود بود پیشنهاد نگارنده آن است که تاریخ روز آمدن مد نظر قرار گیرد. تا زمان انتشار هر مطلبی به درستی مشخص شود.

۴۴. این نکته را فراموش نکنیم که ذکر تاریخ مراجعه بسیار اهمیت دارد. از این جهت که به علت ناپایداری اطلاعات بر روی اینترنت، ممکن است بنا به دلایلی آن سایت در روزهای بعد غیر فعال شود یا مدیران سایت بر اساس برخی از مصالح مطلبی را بردارند یا حذف و تعدیل کنند و یا بایگانی نکنند. اجازه دهید مثالی بزنیم: در انتخابات اخیر ریاست جمهوری سایت **امروز**، که وابسته به مجاهدین انقلاب اسلامی است، به مدت یک هفته مسدود بود. به عبارت دیگر سرور (server) (میزبان این سایت) بنا به دلایلی که اعلام نشد - از انتشار این سایت خودداری کرد. طبیعی است که اگر کسی به یکی از مقالات این سایت ارجاع می‌داد و خواننده‌ای می‌خواست اصل مطلب را ببیند امکان این امر در آن یک هفته میسر نبود. یا نگارنده بارها مشاهده کرده است که یک سایت مطلبی را نخست منتشر کرده و سپس تحت فشارهای مختلف آن را از سایت برداشته است. بنابراین ذکر تاریخ مراجعه به سایت اهمیت زیادی دارد.

۴۵. خوانندگان ارجمند به این نکته عنایت دارند که مثال فارسی با مثال انگلیسی تفاوت‌هایی دارد. این امر بدین خاطر است که ما در مثال فارسی نقد و بررسی کتاب را از یک مجله تخصصی انتخاب کردیم در حالی که در مثال انگلیسی نقد و بررسی کتاب از یک مجله عمومی انتخاب شده است، از این جهت است که شیوه ارجاع این دو تفاوت دارد.

۴۶. بی‌تردید ویدئو، سی دی، دی وی دی و اقلام رسانه‌ای از این دست (به جز در موارد استثنائی) منابع دست اول و قابل اعتنائی نیستند. افزون بر این وقتی ما از ویدئو صحبت می‌کنیم منظور فیلم‌های ویدئویی مستند است. در این مثال ما چون دسترسی به نشانی منابع فیلم‌های مستند فارسی نداشتیم، از فیلم داستانی **سگ کشی** استفاده کردیم. این نکته را هم بیفزایم که در چند سال گذشته نوار ویدئو هم در مطالعات و بررسی‌ها وارد شده است. از جمله فیلم‌های ویدئو مستند که جهان را تحت تأثیر قرار

داد می‌توانیم به فیلم‌های سخنرانی بن لادن اشاره کنیم که جهان کفر (غرب) را مورد حمله قرار می‌داد و از مسلمانان می‌خواست که آنها را از کشورهای خود بیرون ببریزند و علیه آنها جهاد کنند؛ و نیز فیلم "فازنهایت ۹۱۱" مایکل مور، که بوش را متهم می‌کرد که با خاندان بن لادن روابط اقتصادی مشترک داشته است. در ایران فیلم بازجویی از همسر سعید امامی، فیلم نشست مسعود رجوی با سپهبد صابر رئیس اطلاعات و امنیت کشور پیشین عراق و اعتراف او به همکاری در زمینه سرکوب مخالفان صدام حسین، فیلم "فقر و فحشاء" از مسعود ده‌نمکی از جمله فیلم‌هایی هستند که در برخی از مقالات سیاسی به آنان ارجاع شده است.

۴۷. واقعیت آن است که سردبیران و یا ویراستاران مجلات معمولاً وقت زیادی را صرف ویرایش آثاری می‌کنند که عنایات چندانی به " شیوه نامه خاص مجله" نداشته‌اند. از این رو، ممکن است که مقالات خیلی جدی، به خاطر عدم رعایت اصول رفرنس‌نویسی مورد نظر آن نشریه، با تأخیر زیاد چاپ شوند یا حتی مورد پذیرش قرار نگیرند. باید دانست که یک دست کردن مقالات، کار دشوار و وقت‌گیری است. بنابراین توصیه می‌شود که نویسندگان گرامی، آنچه در شیوه نامه هر نشریه آمده است را طابق النعل بالنعل رعایت کنند؛ حتی اگر آن را باب طبع خود نیابند.

48. "SUBMISSION GUIDELINES," *New Left Review*,

<<http://www.newleftreview.net/SubmissionGuidelines.shtml>> (19 July 2005).

۴۹. وجود برنامه‌ها و نرم افزارهای کامپیوتری جدید بسیاری از کارها از جمله شمارش تعداد کلمات، صفحات، تعداد حروف، تعداد خط و... را آسان کرده است. مثلاً اگر شما با برنامه "word" کار می‌کنید. می‌توانید با کلیک کردن بر روی "tools"، گزینه "ord count" را انتخاب کنید. سپس اطلاعات دقیقی در مورد آنچه گفتیم، به دست خواهید آورد. به عنوان مثال با این ابزار، تعداد کلمات این مقاله ۷۷۳۵، تعداد خط با قلمی که نگارنده استفاده کرده است ۵۴۳ خط، تعداد پاراگراف ۲۲۱، تعداد صفحه ۱۶ و... .

۵۰. ظاهراً منظور این است که نگارنده هر اندازه دلیل و برهان در باب مطلبی دارد، به صورت سراسر بی‌آورد. بنابراین نیازی نیست که به آثار خود رفرنس بدهد و نقل قولی از آنجا بیاورد.

۵۱. **کتاب ماه علوم اجتماعی**، سال هشتم، شماره ۴ (۱۳۸۳): جلد داخل مجله و نیز نگاه کنید به: "صواب‌ت تنظیم مقالات"، **خانه کتاب**،

<<http://www.ketab.ir/Ketab/E-Magazine/MahFiles/E88.pdf>> (۳ مرداد ۱۳۸۴).